



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

رهیافتنی به نظام تربیتی

اسلام از نگاه

محمد
حسین

سید ابراهیم میرشاه جعفری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رهیافتی به نظام تربیتی اسلام از نگاه صحیفه سجادیه

نویسنده:

ابراهیم میرشاه جعفری

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	رهیافتی به نظام تربیتی اسلام از نگاه صحیفه سجادیه
۷	مشخصات کتاب
۷	چکیده
۷	مقدمه
۷	مفهوم شناسی واژه های کلیدی
۷	نظام تربیتی
۸	اهداف تربیت
۸	مبانی تربیت
۸	اصول تربیت
۸	روش های تربیت
۸	اهداف تربیت در صحیفه سجادیه
۸	اشاره
۹	هدف غایی
۱۲	اهداف واسطه ای
۱۲	تربیت عقلانی
۱۳	شناخت خدا
۱۵	مبانی تربیت در صحیفه سجادیه
۱۵	اشاره
۱۵	خداجویی
۱۵	غفلت
۱۶	خود دوستی
۱۶	اصول تربیت در صحیفه سجادیه
۱۶	اشاره

۱۶	اصل بازگشت یا تغییر رفتار
۱۶	اصل تذکر
۱۸	اصل عزت
۲۱	روش های تربیتی در صحیفه ی سجادیه
۲۱	اشاره
۲۱	توبه
۲۳	روش تفضل
۲۴	روش تبشیر
۲۶	روش نیکی در برابر بدی
۲۷	روش تأخیر در کیفر
۲۸	روش موعظه
۲۸	روش یادآوری نعمت
۲۹	روش شناساندن حمد و ستایش
۳۰	روش ابراز توانایی ها
۳۱	روش حسن ظن
۳۲	روش عذر پذیری
۳۲	روش عیب پوشی
۳۳	نتیجه گیری
۳۴	پاورقی
۳۵	درباره مرکز

مشخصات کتاب

مؤلف: سید ابراهیم میرشاه جعفری

مترجم: حمید مقامی

ناشر: سید ابراهیم میرشاه جعفری

چکیده

از منابع مهم در بررسی و استنباط عناصر نظام تربیتی اسلام، دعاهای مأثور از پیشوایان دین، به ویژه، دعاهای گران سنگ امام سجاد (ع) است. در این نوشتار اهداف، مبانی، اصول و روش های تربیتی در صحیفه سجادیه مورد بررسی قرار گرفته است. ابتدا به بررسی و تعریف مفاهیمی چون «نظام تربیتی»، «اهداف»، «مبانی»، «اصول» و «روش های تربیت» پرداخته و ارتباط بین این مفاهیم را روشن ساخته ایم. با توجه به ارتباط منطقی بین این عناصر، به استنباط نظریه های راهنمای عمل از دیدگاه صحیفه پرداخته و مقاله را با بررسی سه هدف، سه مبنا، سه اصل و دوازده روش تربیتی سامان بخشیده ایم. واژه های کلیدی: ۱- صحیفه سجادیه ۲- نظام تربیت ۳- اهداف تربیت ۴- مبانی تربیت ۵- اصول تربیت

مقدمه

«زبان دعا» که در صحیفه برای تعلیم و تربیت شیعیان مورد استفاده قرار گرفته است برترین شیوه تربیتی است. این زبان به عنوان زبانی عاطفی - عقلانی شور و شعوری دل انگیز می آفریند او را به مقصد تربیت رهنمون می سازد. رهنمودهای کلی و دستورالعمل های جزئی تربیتی صحیفه که مبتنی بر شالوده های بنیادین انسان شناختی و نگاه پیوسته به مقصد عالی تربیت است به نظام تعلیم و تربیت اسلامی ساختاری منطقی و زیبا بخشیده است. اگر چه ساختار به نحو مشخص در صحیفه نمود ظاهری ندارد؛ ولی نیازمند استنباطی است که همه ی جنبه های آن را از نظر مبانی، اهداف، اصول و روش ها مشخص سازد. در این مقاله کوشیده ایم نظام تعلیم و تربیت اسلامی را از حیث اهداف، مبانی، اصول و روش های تربیت از طریق دعاهای صحیفه مورد بررسی قرار دهیم.

مفهوم شناسی واژه های کلیدی

نظام تربیتی

منظور از نظام تربیتی مجموعه ای از مفاهیم و اندیشه های سازمان یافته درباره ی تربیت است که از نوعی همبستگی درونی برخوردارند و به طور اساسی و پایه ای بیانگر چگونگی تربیتند. این مفاهیم عبارتند از: مبانی، اهداف، اصول و روش ها که به عناصر اساسی تعلیم و تربیت معروفند.

اهداف تربیت

هدف در تعلیم و تربیت به معنای نقطه ی نهایی و وضع مطلوبی است که به طور آگاهانه تلاش های تربیتی ما به آن معطوف است. اهداف در یک تقسیم بندی کلی به غایی و واسطه ای تقسیم می شوند. برخی از اهداف واسطه ای نسبت به یکدیگر ارتباط عرضی دارند، به طوری که می توانند در کنار هم قرار گرفته و ناظر به شئون مختلف انسان باشند. این اهداف نسبت به هدف غایی ارتباط طولی دارند و حلقه های میانگین برای دست یافتن به هدف غایی اند. در صحیفه به برخی از این اهداف اشاره شده است.

مبانی تربیت

مبانی تربیت گزاره هایی است که بیانگر ویژگی های عمومی آدمی است و به شکل قضایای حاوی «است»، قابل بیانند. به بیان دیگر: مبانی تعلیم و تربیت از موقعیت انسان و امکانات و محدودیت های او و از ضرورت هایی که حیات آدمی همواره تحت تأثیر آن هاست بحث می کند. در این مقاله مبانی تربیت گزاره هایی برگرفته از صحیفه سجادیه است که بیانگر ویژگی عمومی انسان است.

اصول تربیت

اصول مجموعه قواعدی است که با توجه به مبانی (ویژگی های عمومی انسان) و اهداف تربیت (۹) کشف شده و در جریان تربیت راهنمای عمل قرار می گیرند. [۱] اصولی که در این گفتار بر آن ها تأکید شده بر مبانی ای مبتنی اند که از دعاهای صحیفه استخراج شده اند. این اصول به نوبه خود زمینه ی کشف روش ها را فراهم ساخته اند.

روش های تربیت

روش ها دستورالعمل هایی جزئی است که برای ایجاد تغییرات مطلوب در متربی به کار گرفته می شود. هر دسته از این دستورالعمل ها در دامنه ی یک اصل تربیتی قرار گرفته و مبتنی بر آنند. در کشف روش ها توجه به مبانی و اهداف تربیت و ارتباط با آن ها ضرورت دارد. در این مقاله سعی بر آن است روش های تربیتی، مبتنی بر اصول و با نگاه به اهداف و مبانی صحیفه استخراج گردد.

اهداف تربیت در صحیفه سجادیه

اشاره

چنان که پیش تر گفته شد، اهداف در تعلیم و تربیت به دو دسته ی غایی و واسطه ای تقسیم می شوند. اهداف واسطه ای نسبت به هدف غایی رابطه ی طولی دارند و مطلوبیت آن ها به قرار گرفتن در خط سیر هدف غایی وابسته است، به طوری که ارزش خود را از هدف غایی کسب می کنند. این اهداف همگی در کنار یکدیگر قرار گرفته و ناظر به شئون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، جسمی، فکری و اخلاقی انسانند. [۲].

هدف غایی تربیت از دیدگاه امام سجاده (ع) چیزی جز «قرب الهی» نیست. در سراسر صحیفه، توجه به خداوند موج می زند. امام علیه السلام نظام تربیت را در قالب دعا و گفت و گو با خدا سامان می دهد و بر آن است که ساحت زندگی بشر را با نام و یاد خدا و درخواست قرب و نزدیکی به او زینت بخشد. اصولاً لفظ دعا، خود تربیت کننده و جهت دهنده است. دعا به خودی خود موجب طهارت روح می گردد و راه را به سوی رفتن به فراترها آسان و میسر می سازد. امام (ع) در دعاهای مختلف از خداوند درخواست نزدیکی به او را دارد و کسانی را که به تقرب او دست می یازند، برنده میدان می داند: «یا من تنقطع دون رؤیته الابصار، صل علی محمد و آله و ادنا الی قریبک» (دعای ۴/۵)؛ ای آن که چشم ها از دیدن او بازمی مانند، بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را به قرب خود نزدیک فرما. «و من تقربه الیک یغنم» (همان / ۹)؛ هر که را به سوی خود نزدیک گردانی، غنیمت و سود می برد. و به راستی که این سود

و غنیمت چیزی جز سعادت، نیک بختی و هدف نهایی تربیت انسانی نیست. و این هدف دست یافتنی است زیرا هر کس به قصد نزدیکی به خداوند به ریسمان او درآویزد، به او نزدیک می گردد: «القریب الی من حاول قریبک» (دعا ۲۱/۴۵)؛ تو به کسی که قصد تقرب تو کند، نزدیکی. این جاست که قصد قربت در همه ی عرصه های زندگی برای رسیدن به هدف نهایی تعلیم و تربیت ضروری می نماید و کوشش در این راه وظیفه ی متربی است: «و اذقنی طعم الاجتهاد فیما یزلف لدیك و عندك» (دعای ۱۲۵/۴۷)؛ و مزه کوشش در آن چه به تو نزدیک می گرداند به من بچشان. بر این اساس، تمام اهداف واسطه ای نیز که ناظر بر شئون مختلف آدمی است، باید به هدف نهایی بیانجامد و گرنه بی حاصل و بی نتیجه خواهد ماند. این کوشش و تلاش برای رسیدن به لقای پروردگار باید شوق انگیز و مشتاقانه باشد: «و شوقنی لقاءك» (همان / ۱۲۶)؛ مرا برای دیدارت مشتاق ساز. و رغبت و درخواست و هدف متربی باید تنها شوق دیدار او باشد: «و اجعل فیما عندك رغبتی شوقا الی لقاءك» (دعای ۴/۵۴)؛ و رغبت و خواسته ام را در آن چه در نزد تو است، شوق دیدار خویش قرار ده. قرب الهی به عنوان هدف برتر و نهایی تربیت در عرصه ی زندگی دنیا، آن چنان اهمیت می یابد که از دیدگاه امام سجاد (ع)، آرامشگاه بشری است: «و اجعل عندك مقیلا آوی الیه مطمئنا و مثابه اتبوءها و اقرعینا» (دعای ۱۲۹/۴۷)؛ برای من نزد خود آرامشگاهی که در آن آرامش گیرم و جایگاهی که در آن جای گزینم و چشمم را روشن سازم

(و شاد گردم)، قرار ده. این آرامشگاه و جایگاه شادی آفرین، وقتی حاصل خواهد شد که مرتبی از همه چیز حتی مال و دارایی دنیا قصد قربت کند و آن را وسیله ی رسیدن به جوار رحمت الهی و پیوستن به قرب او گرداند: «و اجعل ما خولتني من حطامها و عجلت لي من متاعها بلغه الي جوارك و وصله الي قربك و ذريعه الي جنتك» (دعای ۶/۳۰)؛ آن چه از مال و دارایی دنیا که به من ارزانی داشته ای و آن چه از کالای آن که برای من پیش انداخته ای (و در دنیا عطا فرموده ای)، وسیله رسیدن به جوار خود و پیوستن به قرب خویش و وسیله ای به سوی بهشت گردان. بنا بر آن چه گفته شد، قرب به معنای رویکرد به خدا، در مقابل دوری از خدا و رویگردانی از اوست. در فرایند تعلیم و تربیت آن چه در عرصه ی هدف مهم است، توجه دادن مرتبی به ذات اقدس باری تعالی است. به طوری که همه ی امور را با توجه و یاد خدا انجام دهد و به دامن غفلت در نغلتد. توجه دارای مراتبی است که هم درون و هم برون را در بر می گیرد. هر چه توجه درونی و بیرونی بیشتر باشد، قرب بیشتری حاصل می گردد و هر چه سطحی و کم رنگ باشد، قرب کمتری به دست خواهد آمد، اما مهم حرکت در این مسیر است. مرتبی هر گامی که به سوی معبود خویش، هر چند کوتاه بردارد، به درجه ای از قرب نائل شده که نسبت به وضعیت قبلی رشد و تربیت بیشتری یافته است؛ اما نسبت به وضعیت و مرتبه بالاتر در

ضعف قرار دارد. در تعلیم و تربیت اسلامی کوشش مربی آن است که مرتبی را همواره به درجه ای بالاتر رهنمون سازد. و مربی نیز باید در کار خویش قصد قربت کند تا همواره همراه با مرتبی، او نیز به درجه ای بالاتر از قرب دست یازد؛ چنان که حضرت سجاد (ع) نیز به عنوان مربی و پیشوا از خداوند درخواست قرب می کند: «و ادننا الی قریبک» (دعای ۴/۵)؛ ما را به قرب خود نزدیک گردان. و چنین است که در تعلیم و تربیت اسلامی مربی و مرتبی پیوسته در حال دگرگونی هستند؛ دگرگونی ای که هر لحظه کامل تر از لحظه ی پیش است.

اهداف واسطه ای

تربیت عقلانی

آن چه مرتبی را در مقابل موانع تربیت، مقاوم ساخته و با نظر به هدف غایی تربیت او را برای رسیدن به موقعیت مطلوب کمک می رساند به کارگیری قوه ی عقلانی است. تربیت عقلانی به عنوان یکی از اهداف مهم واسطه ای، مرتبی را در رسیدن به «خود فرمانی عقلانی» و در نهایت وصول به مقام قرب الهی یاری می رساند و بدون آن حرکت در مسیر، سخت و ناممکن خواهد بود؛ زیرا شیطان به عنوان مهم ترین مانع در فرآیند تعلیم و تربیت، با فراهم آوردن ناآرامی های روانی در درون انسان، مانع بروز استعدادهای آدمی خواهد شد. امام (ع) در دعای مکارم الاخلاق بر این نکته تأکید می ورزد: «اللهم اجعل ما یلقى الشیطان فی روعی من التمنی و التظنی و الحسد ذکرا لعظمتک و تفکرا فی قدرتک و تدبیرا علی عدوک» (دعای ۱۳/۲۰)؛ بار خدایا! آن چه شیطان از دروغ و گمان و رشک در دل من می افکند، به یاد بزرگیت و اندیشه در توانایت و عاقبت

اندیشی بر دشمنیت، مبدل گردان. از دیدگاه صحیفه در فرایند تربیت عقلانی سه مرحله قابل تصور است: ۱- ذکر (ذکرا لعظمتک)؛ ۲- تفکر (تفکرا فی قدرتک)؛ ۳- تدبیر (تدبیرا علی عدوک). مرحله ی اول که حضرت (ع) آن را «ذکر» می نامد، یادآوری علم مرتبی است. مرتبی به عنوان یک انسان به طور طبیعی در معرض فراموشی یا غفلت واقع می شود. از آن جا که تذکر از جانب مربی و ذکر (از سوی مرتبی) با ملاحظه ی هدف واسطه ای تربیت عقلانی و در راستای وصول به هدف غایی تربیت به عنوان یک اصل مهم در تعلیم و تربیت اسلامی مورد توجه است، مربی در اولین مرحله ی تربیت عقلانی در مواجهه با مسأله باید ذهن مرتبی را تحریک کرده، دانسته های فطری و اکتسابی او را مورد عظمت و بزرگی خدا به یادش آورد (ذکرا لعظمتک). یادآوری، خود انگیزه ی تفکر و تعقل پیرامون مسأله را در او ایجاد می کند. بنابراین مربی باید او را به تفکری جهت دار در قدرت الهی (تفکرا فی قدرتک) رهنمون سازد. نتیجه ی این دو مرحله «تدبیر» را به دست خواهد داد (تدبیرا علی عدوک). مرتبی پس از ذکر و تفکر، به قدرتی عقلانی دست می یابد که می تواند به تدبیر و دور اندیشی در برابر مانع تربیت (شیطان) پرداخته و مسأله را خود حل کند و البته این امر جز با درخواست توفیق از خدا و یاری او ممکن نخواهد بود. شاید بتوان با اندکی دقت مراحل پنج گانه روش حل مسأله دیویی را بر مراحل سه گانه تربیت عقلانی مزبور در صحیفه که کامل تر و با رویکردی دینی است تطابق نمود.

شناخت خدا

از جمله اهداف واسطه ای

تربیت در صحیفه معرفت خدا است. این هدف که کلید دستیابی به هدف نهایی است، نقش مهمی در تقرب به درگاه حق تعالی دارد. بدون شناخت خداوند، تقرب به او امکان پذیر نیست، تقرب و نزدیکی به او، تخلق به اخلاق حق، کسب ایمان، توکل و تقوا همه در سایه ی شناخت کامل و عمیق خدای متعال ممکن است. شناخت های سطحی به ارتباط ضعیفی بین عبد و معبود می انجامد و هر چه در معرفت گسترده و عمیق تر باشد، ارتباط مستحکم و شدیدتر خواهد بود. امام سجاد (ع) در دعاهای متعدد به خداشناسی و معرفت الهی پرداخته و با اشاره به موضوعاتی چون توحید و مراتب آن، ذات خدا و صفات او، به تقویت و تعمیق شناخت آدمی پرداخته است. در دعای نخست، ضمن حمد و سپاس خداوند به شناساندن ذات باری تعالی می پردازد: «الذی قصرت عن رویته ابصار الناظرین و عجزت عن نعته اوهام الواصفین ابتدع بقدرته الخلق ابتدعا و اخترعهم علی مشیته اختراعا ثم سلک بهم طریق ارادته و بعثهم فی سبیل محبته...» (دعای اول / ۳، ۴، ۲)؛ خدایی که دیده های بینندگان از دیدنش ناتوانند و اندیشه های وصف کنندگان از عهده وصفش برنیایند. به قدرت و توانایی خود آفریدگان را آفرید و آنان را به اراده و خواست خویش به وجود می آورد، بی آن که از روی مثال و نمونه ای باشد. سپس آنان را در راه خواست خود روان گردانید و در راه محبت و دوستی به خود برانگیخت... در فرازهای این دعا و دعاهای دیگری مانند دعای عرفه، حضرت (ع) به شناساندن خدای سبحان پرداخته و دریچه هایی از معرفت الهی را به سوی آدمیان

می‌گشاید. معرفت خدا چه از راه حصولی و با تفکر درباره‌ی او و آفریدگانش و چه از راه حضوری، مورد نظر صحیفه است. مثلاً حضرت (ع) در نخستین دعا به شناخت حضوری و معرفت فطری اشاره دارد و خدای را به خاطر الهام شکر و سپاس خود به آدمیان و شناساندن وجود، علم و قدرتش به آن‌ها و راهنمایی فطری و درونی به سوی خویشتن مورد حمد و ستایش قرار می‌دهد: «و الحمد لله علی ما عرفنا من نفسه و الهمنا من شکره، و فتح لنا من ابواب العلم بربوبیته و دلنا علیه من الاخلاص له فی توحیده، و جنبنا من الالحاد و الشکک فی امره» (دعای اول / ۱۰)؛ سپاس خدای را که خویشتن را به ما شناساند و شکر و سپاس خود را به ما الهام نمود و درهای علم به ربوبیتش را بر ما گشود و بر اخلاص در توحید و یگانگیش راهنمایمان کرد و از شک و دو دلی در امر خود (معرفت ذات و صفات) دورمان ساخت.

مبانی تربیت در صحیفه سجادیه

اشاره

با دقت نظر در صحیفه‌ی سجادیه، می‌توان برخی از ویژگیهای عمومی انسان را کشف و به عنوان مبانی تربیت ارائه کرد. برخی از مهم‌ترین مبانی تربیت از دیدگاه امام سجاد (ع) عبارت است از «خداجویی و خدا دوستی»، «غفلت و خود دوستی».

خداجویی

خداجویی، خداخواهی و خدا دوستی به عنوان ویژگی عمومی انسان‌ها یکی از مبانی مهم تعلیم و تربیت در صحیفه است. این حس مشترک به طور فطری در همه انسان‌ها، حتی کسانی که در یافتن مصداق حقیقی خدا به انحراف رفته‌اند، وجود دارد. حضرت (ع) در دعای بیستم از خداوند درخواست می‌کند که: «اللهم اجعلنی اصول بک عند الضروره و اسالک عند الحاجه و اتضرع الیک عند المسکنه و...» (دعای ۱۲/۲۰)؛ خداوند! مرا چنان قرار ده که هنگام اضطرار به [یاری] تو [بر دشواری‌ها] حمله آورم و به هنگام نیازمندی از تو بخوام و هنگام تنگدستی به درگاه تو تضرع و زاری کنم. این فراز دلالت دارد بر این که نیرویی درونی انسان را به سوی خدا می‌کشاند و هنگام گرفتاری و نیازمندی رو به سوی او می‌کند.

غفلت

از دیگر مبانی تربیت که در صحیفه بر آن تأکید شده غفلت است. البته این مبنا را می‌توان با مبنای پیشین، یعنی خداخواهی و خداجویی انسان، یک جا مورد بحث و بررسی قرار داد. در فراز زیر این دو ویژگی انسان در کنار هم ذکر شده است: «و لا تسمنا الغفله عنک، انا الیک راغبون و من الذنوب تائبون» (دعای ۴/۳۴)؛ ما را از جانب خود به غفلت گرفتار مکن، چون ما به سوی تو خواهان و از گناهان توبه‌کننده‌ایم. با تعمق در دعاهای صحیفه درباره‌ی خداخواهی و غفلت انسان، دو گزاره‌ی حاوی «است» به دست می‌آید: ۱- «انسان خداخواه و خداجو است»؛ ۲- «غفلت از ویژگی‌های انسان است». این دو گزاره می‌توانند، به عنوان مبانی تربیت، پایه برخی از اصول

تربیت مانند «بازگشت و تذکر» قرار گیرد.

خود دوستی

منشأ بسیاری از محبت‌ها و گرایش‌های عاطفی انسان خود دوستی او است. این امر را می‌توان سومین مبنای تربیت تلقی کرد و برخی از اصول و روش‌های تربیت را از آن استخراج نمود. این عنوان مستقیماً در صحیفه ذکر نشده، اما با توجه در برخی از دعاها می‌توان جلوه‌هایی از این ویژگی را مشاهده کرد. دعا‌های حضرت برای خود و نزدیکان (دعای ۷) درخواست حاجت‌ها (دعای ۱۳)، شفا هنگام بیماری (دعای ۱۵)؛ رفع بلاها و سختی‌ها (دعای ۱۸)؛ تندرستی (دعای ۲۳)؛ رفع تنگی رزق (دعای ۲۹)؛ یاری طلبیدن برای ادای قرض (دعای ۳۰)؛ رفع غم و اندوه (دعای ۵۴) و بسیاری از دعا‌های دیگر که در آن درخواست سعادت، کمال، قدرت، نعمت و... از خداوند دارد؛ همگی حاکی از روح خود دوستی انسان است. اگر خود دوستی یا «حب ذات» به عنوان یک مبنای تربیتی به نیکی مورد توجه قرار گیرد، به یقین منشأ عزت، کمال، نیک بختی و سرافرازی متربی می‌گردد و چنان چه این غریزه‌ی درونی به انحراف کشیده شود، روح تکبر و استکبار، طغیان و عصیان بر او چیره خواهد شد و آدمی را به گرداب خود خواهی، خود پرستی، عجب، غرور و حرص می‌کشاند. از این مبنا می‌توان «اصل عزت» را کشف و در تدابیر تربیتی مورد استفاده قرار داد.

اصول تربیت در صحیفه سجاده

اشاره

اصول تربیت قواعدی است که با نگاه به مبانی و اهداف، کشف و در فرآیند تعلیم و تربیت راهنمای عمل قرار می‌گیرند. بر اساس مبانی تربیت بازگشت، تذکر و اصل را می‌توان به سه اصل مهم از اصول تربیت در صحیفه ارائه نمود.

اصل بازگشت یا تغییر رفتار

از اصل بازگشت یا تغییر رفتار مبنای «خدا جوئی» استخراج می‌گردد. در صحیفه از «بازگشت و تغییر رفتار» به «انابه» تعبیر شده است. «ان یکن التریک لمعصیتک انابه فانا اول المینین (دعای ۲۸/۳۱)؛ اگر ترک معصیت و نافرمانی تو، انابه و بازگشت است؛ پس من اولین بازگشت کنندگان هستم». «تلقاک بالانابه» (دعای ۸/۱۲)؛ به وسیله‌ی انابه و بازگشت، به تو روی آورد. بازگشت و تغییر رفتار در متربی با مکانیسم توبه امکان پذیر است. در معنای انابه آمده است «الرجوع الی الله بالتوبه» (۱، ج: ۱۴، ص: ۳۱۹)؛ انابه بازگشت به سوی خداوند به وسیله توبه است یا «انابه به معنی بازگشت به طاعت است» (همان، ص: ۳۱۹) که معنای تغییر رفتار - تغییر از معصیت به طاعت - در آن لحاظ شده است. بازگشت متربی و عطف توجه او به این موضوع اساسی با کمک اصل دیگری از اصول بنیادین تربیت به عنوان «اصل تذکر» امکان پذیر خواهد بود. در جریان تعلیم و تربیت گاهی متربی نعمت‌ها و نیکی‌های مربی را به فراموشی می‌سپارد لذا دست به عصیان می‌زند و از مسیر تربیت خارج می‌گردد. این جا بر عهده مربی است که به یادش آورد، بازش گرداند و در آغوش خویش نیکش پیوراند.

اصل تذکر

تذکر که مبتنی بر مبنای تربیتی «غفلت» یا بیگانگی از خدا است، از اساسی ترین اصول تربیتی است که مربی همواره به آن نیازمند خواهد بود، چرا که غفلت همواره در کمین متری است تا او را در خود فروبرد. این اصل می تواند به عنوان مقدمه ای برای به کارگیری اصل «بازگشت یا تغییر رفتار» باشد. امام (ع) در فرازهای مختلفی از

دعاها، ضمن اشاره به ویژگی غفلت ذکر را به عنوان راه غفلت زدایی معرفی می کند: «و نبهنی لذکرک فی اوقات الغفله» (دعای ۲۹/۲۰)، مرا در اوقات غفلت، به یاد خود آگاه ساز. «و اشغل قلوبنا بذکرک عن کل ذکر» (دعای ۱/۱۱)؛ دل های ما را به یاد خود از هر یادی مشغول دار. «ثم انتبهت بتذکیرک لی من غفلتی» (دعای ۱۶/۱۳). با آگاهانیدن تو از خواب غفلت بیدار شدم. با دقت در این فراز درمی یابیم که برای غفلت زدایی از مرتبی آگاه کردن و به یاد آوردن او لازم و ضروری می نماید؛ این جاست که این متذکر شدن و سپس یاری و راهنمایی، مرتبی را از لغزش بازداشته و او را از فروافتادن می رهاند و به راه، باز می گرداند؛ لذا امام (ع) در ادامه می فرماید: «و نهضت بتوفیقک من زلتی و رجعت و نکصت بتسدیدک عن عشرتی» (همان)؛ با توفیق تو از لغزشم برخاستم و با راهنمایی تو از به سر در افتادن برگشتم (همان).

اصل عزت

بر مبنای «خود دوستی» به منزله ی ویژگی عمومی انسان، می توان سومین اصل تربیتی را «عزت» دانست. طبق این اصل مرتبی باید عزت نفس مرتبی را فراهم آورد. اگر مرتبی با توجه به غریزه ی خود دوستی، در خود عزتی قرین به عزت نفس واقعی بیابد؛ خود شیفتگی، خود محوری، خود خواهی، خود پسندی و آزمندی مذموم را در او پدید نخواهد آمد. برعکس به توانایی های خود آگاه شده، راه کمال و نیک بختی را پیش خواهد گرفت. مرتبی چون ذاتا شیفته ی خویش است، «اصل عزت» می تواند او را هدایت بخشد و به سعادت رهنمون سازد. عزت بخشی به مرتبی، با به وجود

آوردن احساس عزت در او متفاوت است. احساس عزت می تواند وهمی و پنداری باشد و با ذلت قابل جمع است؛ اما عزت واقعی درونی با ذلت ناهماهنگ است. هرگاه کسی بتواند بر اساس غریزه ی خود دوستی، با قدرت، علم، جمال، و... دیگران را به اعجاب درآورد، احساس عزت در او پدیدار می شود؛ این چنین فردی ممکن است فریفته ی ویژگی های خویش گردد که در این صورت فاقد عزت واقعی است. این جاست که مربی باید احساس عزت واقعی را در مرتبی ایجاد کند؛ زیرا احساس عزت در برخی موارد جز حقارت نفس و خود دوستی های انحرافی و وهمی چیزی نیست. به همین دلیل، حضرت (ع) در دعا، عزت و بزرگی نزد خلق را توأم با خواری و کم ارزش کردن مقام دنیایی و ارجمندی ظاهری نزد خود می خواهد و بدین سان احساس عزت و بزرگی را کنترل و خود را به خدا می سپارد: «ولا ترفعنی فی الناس درجه الا حططتی عند نفسی مثلها و لا تحدث لی عزا ظاهرا الا احدثت لی ذله باطنه عند نفسی بقدرها» (دعای ۴/۲۰)، مرا در میان مردم به درجه و مقامی سرفراز مفرما، جز آن که پیش نفسم مانند آن پست نمایی و ارجمندی آشکارا و ظاهری برابم پدید میاور، جز آن که به همان اندازه پیش نفسم برای من خواری پنهانی پدید آوری. این نکته از نظر دور نماند که برای از بین رفتن احساس ذلت در مرتبی، ایجاد احساس عزت برای رسیدن به عزت پایدار و واقعی مطلوب است و از این جهت احساس عزت تنها نقش زمینه سازی را ایفا می کند. عزت واقعی نیز تنها در

پرتو عبودیت و تذلل به درگاه الهی امکان پذیر خواهد بود چنان که حضرت (ع) می فرماید: «و ذللتی بین یدیک و اعزنی عند خلقک وضعنی اذا خلوت بک و ارفعنی بین عبادک» (دعای ۱۱۸/۴۷)؛ مرا در درگاهت خوار و در نزد آفریدگانت عزیز و ارجمند گردان؛ و چون با تو خلوت کرده تنها به سر برم فروتن و در میان بندگانت بلند مرتبه و سرافرازم نما. بدین ترتیب در سایه ی عبودیت، با دست یازیدن به عزت پروردگار و تکیه بر ذات عزیز و قدرتمند او دست از مردم کوتاه می کند و در پرتو عزت الهی به بی نیازی از خلق می رسد. «و امنعنا بعزک من عبادک و اغننا من غیرک بارفادک» (دعای ۱۳/۵)؛ ما را به عزت و قدرت خود، از [شر] بندگانت دور ساز و به بخشش خود، از غیر خودت بی نیاز گردان. به نظر می رسد «اصل عزت» یکی از مهم ترین و زیربنایی ترین اصول تعلیم و تربیت اسلامی است، زیرا اگر متربی در درون خود، خویشتن را عزتمند بیابد، هرگز خود را به عصیان و گناه آلوده نمی سازد و یا لاقل گرایش بسیار کمتری به پستی ها و حقارت های نفسانی و اخلاقی از خود نشان می دهد. روش های تربیتی باید به گونه ای باشد که احساس عزت واقعی نفس را در متربی به بار آورد و او را از غلتیدن به حقارت و ذلت باز دارد، و از آن جا که توانایی ها و ضعف های متربی هر دو در احساس عزت او دخالت دارند، بر اساس اصل عزت روش ابراز توانایی ها و روش های «عذر پذیری؛ عیب پوشی و حسن ظن» و از اصول تذکر و بازگشت روش های بازیابی شخصیت

دگرگون شده و دریافت عزت درونی از متن صحیفه قابل استخراج است.

روش های تربیتی در صحیفه ی سجادیه

اشاره

در این بخش تلاش شده تا برخی از روش های تربیتی مبتنی بر اصول سه گانه «بازگشت، تذکر و عزت» از متن صحیفه استخراج و به عنوان راهبردهایی ویژه در جریان تعلیم و تربیت و تغییر رفتار در متربیان پیشنهاد گردد. بدین منظور دوازده روش، مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ اگر چه شمار روش ها منحصر به این تعداد نبوده و مربی با توجه به اصول بنیادین تربیت می تواند در موقعیت های مناسب، روش های دیگری را نیز در عمل به کار گیرد.

توبه

«روش توبه» در نظام تربیتی صحیفه از جایگاه ممتازی برخوردار است و با توجه به مبنای تربیتی «بازگشت یا تغییر رفتار» می تواند به عنوان دستور العملی جزئی در فرایند تربیت به کار گرفته شود. توبه در لغت به معنای «رجوع و بازگشت» (۱، ج: ۲، ص: ۶۱) و در صحیفه به معنای «پشیمانی از گناه» و «وسیله ای برای تغییر رفتار یا باعث اصلاح انسان و رفع فساد» آمده است: «اللهم ان یکن الندم توبه الیک، فانا اندم النادمین» (دعای ۲۸/۳۱)، خدایا! اگر پشیمانی، توبه و بازگشت به سوی توست، پس من پشیمان ترین پشیمانانم. و نیز می فرماید: «یا من استصلح فاسدهم بالتوبه» (دعای ۱۰/۱۲)؛ ای آن که اصلاح تباهی های ایشان (بندگان خدا) را به وسیله ی توبه خواسته ای. وظیفه ی مربی است که در هنگام دور شدن متربی از فطرت خداجوی خود، او را به سوی حقیقت فطری خویش بازگرداند. توبه در معنای واقعی خویش، تنها در مورد گناه و عصیان به کار نمی رود؛ بلکه هر گونه دوری از اصل انسانی و توجه به عالم ماده همراه با غفلت از فرا ماده به بازگشتی راستین نیاز دارد. امام (ع)

در این باره می فرماید: «اللهم و انی اتوب الیک من کل ما خالف ارادتک، او زال عن محبتک من خطرات قلبی و لحظات عینی و حکایات لسانی» (دعای ۲۲/۳۱)؛ بار خدایا! از اندیشه های دل و نگاه های زیر چشمی و گفت و گوهای زبانی که مخالف خواسته ی تو یا بیرون از دوستی تو باشد، به سوی تو بازمی گردم و توبه می کنم. «توبه» بر خلاف ظاهر دست نیافتنی آن - به ویژه در مورد کودک و نوجوان - در فرهنگ تربیتی اسلام، روش اساسی در تغییر رفتار به شمار می رود. این که توبه در نظام تعلیم و تربیت ما دست نیافتنی تلقی شده، شاید به خاطر عدم بینش صحیح نسبت به مفاهیم تربیتی دینی است. همواره توبه برای کسانی به کار برده شده که سراپا گناه و تقصیر بوده و گناهایی به غایت بزرگ مرتکب شده باشند. اما حقیقت توبه چیز دیگری است، و آن شیوه ای کارآمد برای باز آمدن متربی به آغوش مربی است. این حقیقت در تعلیم و تربیت اتفاق نمی افتد، مگر این که مربی نیز به سوی متربی بازگشت کند، او را بپذیرد و با ریسمانی از محبت و شوق، بازگشت متربی را به نظاره بنشیند. به همین خاطر «توبه» با توجه به مراحل گوناگون رشد، دارای مراتبی تشکیکی از شدت و ضعف است؛ بدین معنا که در سنین پایین استفاده از روش توبه باید با دقت بیشتری صورت بگیرد. در این که خردسال خطاکار را باید از راه خطا بازگرداند، شکی نیست؛ اما شکل بازگرداندن او با نوجوان و جوان متفاوت است. بدین منظور در مراحل پایین رشد استفاده از روش های دیگر بازگشت

همراه با روش توبه، نمود بیشتری پیدا می کند.

روش تفضل

«روش تفضل» از دیگر روش هایی است که بر مبنای «اصل بازگشت» قابل استنتاج است. تفضل، بنا به تعریف صحیفه «یک نعمت یا احسان ابتدایی» است. (دعای ۳/۱۲). به عبارت دیگر، تفضل احسان به دیگری است، بدون حقی که این احسان جزای آن باشد (۸، ص: ۹۵). بنابراین، تفضل پاداش کاری که مرتبی انجام داده است، نیست. حضرت (ع) تفضل را یکی از صفات پارسایان می داند و از خداوند درخواست می کند که او را به زیور این روش تربیتی بیاراید: در این روش تربیتی، مرتبی با تفضل مربی به راه می آید و به سوی او بازمی گردد. اساساً در صحیفه «انابه» و «اقبال به خداوند» با تفضل الهی صورت می گیرد و تفضل اوست که بنده را وادار می دارد که از خداوند درخواست کند و به سوی بازگردد: «و یحدونی علی مسألتهک تفضلک علی من اقبل بوجهه الیک و وفد یحسن ظنه الیک، اذ جمیع احسانک تفضل و اذ کل نعمک ابتداء» (دعای ۳/۱۲)؛ تفضل تو به کسی که به تو رو می آورد و با گمان نیک به سویت آید، مرا به درخواست از تو وادار می دارد، زیرا همه ی احسان های تو از روی تفضل است و همه ی نعمت های ابتدایی است. حضرت (ع) توبه و بازگشت به سوی حق را نیز از فضل و احسان ابتدایی خداوند می داند: «الحمد لله الذی دلنا علی التوبه التی لم نفدها الا من فضله فلو لم نعتد من فضله الا بها لقد حسن بلاؤه عندنا و جل احسانه الینا و جسم فضله علینا» (دعای ۲۲/۱)؛ سپاس خدای را که ما را به توبه و

بازگشت راهنمایی فرمود، توبه ای که آن را نیافتیم جز به فضل و احسان او. پس اگر از فضل و بخشش ابتدایی او جز توبه چیز دیگری را به شمار نیاوریم، نعمت او در حق ما نیکو، احسانش درباره ی ما بزرگ و فضلش بر ما عظیم است. تفضل یا احسان ابتدایی مربی نشان از علاقه مندی او به متربی است و موجب تغییر رفتار در متربی می گردد و او را به راه بازمی گرداند. در تعلیم و تربیت رسمی، معمولاً نه مربی به فکر «احسان ابتدایی» است و نه متربی توقع احسان ابتدایی مربی است! رابطه ی بین تعلیم و تربیت همواره رابطه ای «داد و ستدوار» است که به طور پنهان «بده بستان رشوه گونه» را به ذهن متبادر می سازد. تفضل و احسان ابتدایی بدون منت، از این جا ناشی می شود که متربی مربی دوست و مربی خواه بوده و مربی در جان و دل او نفوذ دارد. چنان که پروردگار هستی چنین رابطه ای با بندگان خویش دارد؛ از روی فضل بی حساب خود به احسان ابتدایی خلق مشغول و خلق نیز به تفضل او می دوارند. لذا در نظام تعلیم و تربیت «رب مدار»، رابطه تفضل بین دو سوی آن جاری است.

روش تبشیر

روش دیگری که در بازگشت متربی به سوی خوبی ها و حقیقت در صحیفه بر آن تأکید شده، روش تبشیر، مژده دادن و یا امیدوار کردن متربی است. در این روش که قبل از عمل صورت می گیرد، مربی ناامیدی را از متربی می زداید و او را به رحمت، مهربانی و نعمت های آینده مژده می دهد. به کار گیری این روش موجب می شود، متربی با قلبی آرام و مطمئن به

عمل برخیزد، از عمل ناپسند بگریزد و به سوی حقیقت بازگردد و بدین سان در رفتار خویش تغییر ایجاد کند. حضرت (ع) در این باره می فرماید: «اللهم انی وجدت فیما انزلت من کتابک و بشرت به عبادک ان قلت: یا عبادى الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمہ اللہ. ان اللہ یغفر الذنوب جمیعاً» (دعای ۲۵۰)؛ بار خدایا! من در کتاب تو که فروفرستادی و بندگانت را به آن مژده دادی یافتم که فرموده ای: ای بندگان من که بر نفس های خود اسراف کرده و از حد تجاوز نموده اید، از رحمت و بخشش خدا نومید نشوید که خدا همه ی گناهان را می آمرزد. (زمر / ۵۳). «لا أیأس منک و قد فتحت لی باب التوبه الیک» (دعای ۷/۱۲)؛ از تو نومید نمی شوم، در حالی که در بازگشت به سوی خودت را به رویم گشوده ای. «فلولا-المواقف التی أمل من عفوک الذی شمل کل شیء لا لقیة بیدی» (دعای ۳/۵۰)؛ پس اگر نبود جاهایی که امیدوارم از عفو و گذشتت که هر چیزی را فرامی گیرد، خود را از دست می رهانیدم [و هلاک و تباه می ساختم]. ایجاد امید در مرتبی و بشارت به رحمت، نعمت و گذشت، او را از فروغلتیدن به فرو دست بازمی دارد و به فرادست متوجه می کند، البته به کارگیری این روش باید با چنان مهارتی صورت پذیرد که افراد را از «معامله گری» بازدارد. افراط در این روش، مرتبی را «تاجر مآب» بار آورده، عمل را جز به بهای رسیدن به پاداشی در آینده انجام نخواهد داد و چون به پاداش و نعمت رسد عمل را از یاد می برد؛ بدون این که آن را

در نهاد خویش نهادینه ساخته باشد. بنابراین دامنه‌ی مژده‌دهی باید متناسب با ظرفیت روانی‌متربی در نظر گرفته شود؛ هر چه ظرفیت روانی و درونی‌متربی بیشتر باشد، تبشیر تأثیر مطلوب‌تری خواهد داشت. به همین خاطر بهتر است تبشیرها بیشتر جنبه‌ی غیرمادی داشته باشد تا بر متربی اثر ماندگار بگذارد. حرکت در مسیر تربیت به وسیله‌ی تبشیر، مستلزم نوعی «خودنگهداری و آینده‌نگری» است؛ لذا هر کس خودنگهدارتر و آینده‌نگرتر باشد تأثیر مژده بر او بیشتر و مستحکم‌تر خواهد بود، به همین دلیل دامنه‌ی تبشیر باید برای کودکان کوتاه‌تر در نظر گرفته شود؛ زیرا متربیان خردسال به خاطر احساسات و عواطف متغیر و زودگذر و نیز عدم درک صحیح از زمان، از خودنگهداری و آینده‌نگری محدودتری برخوردارند.

روش نیکی در برابر بدی

چهارمین روش که از اصل بازگشت یا تغییر رفتار استخراج می‌شود، «نیکی در برابر بدی» است. این روش شیوه‌ی همیشگی همه‌ی پیشوایان دین نسبت به دوستان خطاکار و دشمنان نادان بوده است. شیوه‌ی ای که خدای سبحان نیز در برابر بدکاری‌ها و نافرمانی‌های بندگان خود از روی فضل و کرم خویش به کار می‌گیرد. روش «احسان در برابر اسائه» شیوه‌ی مناسب برای تربیت و اصلاح بدی‌هاست. گاهی با احسان به فرد خطاکار، فطرت خداجوی او بیدار و از کردار خویش نادم می‌شود و به راه حقیقت می‌گراید؛ این روش باید با حساسیت ویژه‌ای مورد استفاده قرار گیرد، تا تأثیر تربیتی خود را بر متربی بر جای گذارد. حضرت (ع) در دعایی که برای همسایگان خود می‌کند چنین می‌فرماید؛ «و اجعلنی اللهم اجزی بالاحسان مسیئهم و اعرض بالتجاوز عن ظالمهم» (دعای ۳/۲۶)؛ بار

خدایا مرا به آن دار که بدکردارشان را به نیکی پاداش دهم، از ستمکارشان به عفو و بخشش درگذرم. در دعای دیگری از خداوند درخواست می کند که: «سددنی لان اعراض من غشنی بالنصح و اجزی من هجرنی بالبر و ائیب من حرمنی بالبذل و اکافی ء من قطعنی بالصله و اخالف من اغتابنی الی حسن الذکر» (دعای ۹/۲۰)؛ مرا توفیق ده تا با کسی که با من غش (ناراستی) نمود، از روی اخلاص (درستی) رفتار کنم و کسی را که از من دوری کرده به نیکویی پاداش دهم. و کسی که مرا نومید گردانیده به بخشش عوض دهم و کسی را که از من بریده به پیوستن مکافات نمایم و از آن که از من غیبت نموده به نیکی یاد کنم.

روش تأخیر در کیفر

از آن جا که اصل در تشویق، سرعت تشویق و اصل در تنبیه تأخیر آن است، روش تأخیر در کیفر و تنبیه، زمینه را برای تفکر بیشتر متربی فراهم می سازد تا در کار خود نیک بنگرد و خویشتن را از بند گناهان و خطاهای خوار کننده برهاند، لذا بازگشت و تغییر در رفتار متربی را ممکن می سازد. امام (ع) شگفتی خود را از برخورد مهربانانه ی خداوند با بنده ی خویش چنین ابراز می دارد: «و اعجب من ذلک اناتک عنی و ابطاؤک عن معاجلتی و لیس ذلک من کرمی علیک بل تانیا منک لی و تفضلا منک علی لان ارتدع عن معصیتک المسخطه و اقلع عن سیئاتی المخلقه و لان عفوک عنی احب الیک من عقوبتی» (دعای ۲۶/۱۶)؛ شگفت تر از آن [شمارش کار پنهانی خودم برای تو] بردباری تو درباره ی من و درنگ تو از شتاب

در کیفر رسانیدن من است و این نه برای گرامی بودن من نزد توست، بلکه برای مدارا و خوشرفتاری و احسان تو بر من است؛ تا از معصیت خشم آور تو دست بردارم و از گناهان خوار کننده، خود را بازدارم و نیز به آن سبب است که گذشتن از [گناهان] من نزد تو از به کیفر رساندن من خوشایندتر است.

روش موعظه

سه روش تربیتی «موعظه، یادآوری نعمت و شناساندن حمد و سپاس» در راستای اصل «تذکر» از صحیفه استخراج می گردد. پند و وعظ اگر به شایستگی صورت پذیرد (موعظه حسنه) [۳]، روشی نیکو در یادآوری و تذکر است. البته واعظ خود باید عامل به وعظ باشد تا موعظه نافذ و سازنده شود و این ممکن نخواهد بود مگر این که زبان مربی یا واعظ به هدایت الهی گویا باشد: «و انطقنی بالهدی» (دعای ۱۶/۲۰)؛ به هدایت مرا گویا گردان. در سراسر صحیفه، پند و اندرز در قالب دعا موج می زند، و همین نشان دهنده ی این است که وعظ، پند و اندرز به عنوان شیوه ای نیکو برای به یاد آوردن متریان، همواره مورد توجه مربیان و پیشوایان دینی بوده است.

روش یادآوری نعمت

پند و موعظه توأم با یادآوری نعمت ها مؤثرتر و نافذتر است، زیرا یادآوری نعمت قدرت دفاعی متربی را در برابر موعظه سست کرده مقاومت و لجاجت او را نسبت به موعظه برنمی انگیزاند. یادآوری نعمت به این دلیل صورت می گیرد که متربی به خاطر خصیصه ی غفلت و اشتغال خاطر - به ویژه اگر کودک کی باشد که احساسات زودگذر و تمایلات متغیر دارد - در زمان کنونی غرق شده و از گذشته ی خویش و نعمت ها و گشایش هایی که به او ارزانی شده بود، غافل می گردد. ذکر نعمت ها او را به خود می آورد و وی را به سوی منعم و مربی بازمی گرداند؛ در منطق صحیفه یادآوری نعمت باید در پرتو حمد و ستایش رب صورت گیرد، بدین جهت حضرت (ع) در دعای اول به ذکر نعمت ها در پرتو حمد خداوند می پردازد و پس از این که ضعف انسان

را در پیروی از دستورات الهی و مخالفت با اوامر او برمی شمرد، بر بازگشت و توبه به عنوان فضل الهی تأکید می ورزد و خداوند را به خاطر گشودن در توبه به سوی انسان، حمد و ستایش می کند و انسان کمال یافته و خوشبخت را کسی می داند که به خدای متعال روی می آورد (دعای اول / ۱۸ تا ۲۲).

روش شناساندن حمد و ستایش

چنان که گفته شد، یادآوری نعمت باید در پرتو حمد و ستایش صورت گیرد تا متربی به نعمت و بخشش های در پی منعم توجه کند. بنابراین باید حمد و سپاس را به متربی شناساند و او را نسبت به این شیوه ی تربیتی آشنا ساخت، زیرا اگر این شناسایی صورت نپذیرد، متربی از همه نعمت ها بهره مند شده، استفاده خواهد برد و در کمال غفلت به شکرگزاری نخواهد پرداخت و بدین ترتیب از مرز انسانیت به فرو دست غلتیده، به عالم حیوانیت روی می آورد: «الحمد لله الذی لو حبس عن عباده معرفه حمده علی ما ابلاهم من مننه المتتابعه و اسبغ علیهم من نعمه المتظاهره لتصرفوا فی مننه فلم یحمدوه و توسعوا فی رزقه فلم یشکروه و لو کانوا کذلک لخرجوا من حدود الانسانیه الی حد اللبیمیه فکانوا کما وصف فی محکم کتابه ان هم الا کالانعام بل هم ضل سیلا» (دعای اول / ۸)؛ سپاس خدایی را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسگزاری خود بر نعمت های پی در پی که به ایشان داده و بخشش های پیوسته ای که برای آن ها تمام گردانیده، باز می داشت؛ هر آینه نعمت هایش را صرف نموده، او را سپاس نمی گزاردند و در روزی ای که عطا فرموده گشایشی می یافتند [اما] شکرش را به جان

می آوردند. و اگر چنین می بودند (که شکر نمی کردند)، از حدود انسانیت به مرز حیوانیت روی می آوردند و چنان بودند که در کتاب استوار خود وصف فرموده: ایشان جز مانند چارپایان نیستند؛ بلکه گمراه ترند.

روش ابراز توانایی ها

این روش که مبتنی بر اصل «عزت» و با توجه به نقاط قوت و توانایی های انسان به دست می آید، مربی را بر آن می دارد که خود را توانا و کارآمد ببیند، زیرا اگر نیروهای درونی خود را بیابد، احساس سرافرازی و عزت واقعی در او پدید خواهد آمد و اگر خویشتن را ناکارآمد و ناتوان ببیند، احساس سرافکنندگی و ذلت خواهد داشت. بنابراین مربی وظیفه دارد امکان بروز توانایی های مربی را فراهم سازد تا وی خود را کارآمد و توانا بیابد و در پرتو آن به احساس عزتی برخوردار شود. عزت واقعی درونی دست یابد. بهترین شیوه برای ابراز توانایی ها، یادآوری و شکر نعمت هایی است که خداوند به مربی ارزانی داشته است. ابراز توانایی ها، یادآوری و شکر نعمت هایی است که خداوند به مربی ارزانی داشته است. آشکار ساختن عملی نعمت ها و پدیدار ساختن توانایی ها معنای واقعی شکر نعمت است (۶، ج: ۲۰، ص: ۳۱۲). البته حضرت (ع) اذعان می کنند که آدمیان به غایت شکر خدا نخواهند رسید، زیرا شکر نعمت های الهی که در زبان و عمل پدید می آید، خود نعمتی از جانب پروردگار است که باید شکر آن را نیز به جای آورد. (دعای ۱/۳۷). «الحمد لله علی ما عرفنا من نفسه و الهمنا من شکره» (دعای اول / ۱۰)؛ سپاس خدایی را که خودش را به ما شناساند و شکرش را به ما الهام کرد. الهام شکر از جانب خدا

نشانگر این حقیقت است که انسان فطرتاً باید شاکر او باشد و این شکر عملی و ابراز نعمت‌ها و توانایی‌های خدادادی و بهره‌مندی از آن‌ها انسان را به عزتی الهی می‌رساند و به او شرافت و بزرگی می‌بخشد و آن‌که کفران نعمت کند و توانایی‌های خویش را پاس ندارد و بیوشاند، به آن چنان حقارت نفسی می‌رسد که خود را نیازمند دیگران دانسته و عزت و شرافت خویش را بر باد می‌دهد؛ بدین جهت حضرت (ع) در فرازهای متعددی از صحیفه [۴] از خداوند می‌خواهد که او را نزد خلق بزرگ و عزیز کند و نزد خدا کوچک و نیازمند: «و ذللتی بین یدیک و اعزنی عند خلقک» (دعای ۱۱۸/۴۷). عزت در نزد مخلوقات چیزی جز دانستن توانایی‌ها و تکیه بر آن‌ها به مدد و یاری الهی نیست و جز در پرتو عبودیت او به وجود نمی‌آید، زیرا مرتب‌ترین وقتی بدانند خود چیزی برای ابراز وجود و قوه‌ای برای به فعلیت رساندن دارد، هرگز به درگاه مخلوق رو نمی‌آورد و عزت خویش را ضایع نمی‌گرداند و همین موجب زنده شدن عزت درونی اوست.

روش حسن ظن

احتمال خطایی از مرتب‌ترین را حتمی و یقینی تلقی کردن خطاست. این خطا موجب بدبینی مرتب‌ترین نسبت به مرتب‌ترین می‌شود و به فدا شدن احساس عزت در مرتب‌ترین خواهد انجامید. اما روش حسن ظن، مرتب‌ترین را قادر می‌سازد در مقابل خطای غیر یقینی مرتب‌ترین بهترین واکنش را از خود نشان دهد و با آبروی او بازی نکند. این روش در فقه اسلامی تحت عنوان «اصاله الصحه» مورد توجه قرار گرفته است [۵]. طبق این اصل، عمل فرد مسلمان درست

و روا تلقی می شود و اگر احتمال نادرستی آن داده شود، نباید به آن اعتنا نمود و در مقام پی جویی و تجسس برآمد؛ زیرا حفظ عزت مسلمان با تجسس منافات دارد. حضرت (ع) در مقام به کارگیری از روش «حسن ظن» از خداوند درخواست می کند که: «واجعلنی اللهم... استعمل حسن الظن فی کافتهم» (دعای ۳/۲۶)؛ خداوند! مرا بر آن دار که درباره ی همه آن ها [برادران دینی و همسایگان] خوش گمان باشم.

روش عذر پذیری

پذیرفتن عذر مرتبی نسبت به خطایی که از او سر زده، مانع از آن است که احساس عزت او از بین برود، زیرا اگر مرتبی عذر او را نپذیرد، مرتبی از بر ملا شدن خطای خود و تن دادن به ذلت گناه ابایی نخواهد داشت. این جاست که عزت نفس او در معرض آسیب و شخصیت او در آستانه ی تخریب قرار می گیرد. عذر پذیری یکی از روش های تربیتی است که می تواند موجبات عزت نفس مرتبی را فراهم آورد. امام سجاد (ع) در دعایی موسوم به «اعتذار» از این که عذر خطاکار را نپذیرفته از محضر الهی عذرخواهی می کند: «اللهم انی اعتذر الیک... من مسیء اعترت الی فلم اعذر» (دعای ۱/۳۸)؛ بار خدایا، من به درگاه تو عذر می خواهم از بدکرداری که از من عذر خواسته و من عذرش را نپذیرفته ام. حضرت (ع) در موارد متعددی عذرپذیری را روش خدای سبحان در برابر عذرخواهی بندگان معرفی می کند مثلاً: «و ما انا بالوم من اعتذر الیک فقبلت منه» (دعای ۱۱/۱۲)؛ من نکوهیده تر از کسی که به پیشگاه تو عذر آورده و عذرش را پذیرفته ای نیستم.

روش عیب پوشی

عیب پوشی و عذر پذیری هر دو در زمانی به کار گرفته می شوند که خطای مرتبی یقینی است و باید عیب و گناه او را پوشاند و نه تنها به دیگران منتقل نکرد بلکه به روی خود او هم نیارود و این دو روش مکمل یکدیگرند. پوشاندن عیوب مرتبی و مستور کردن گناه و خطای او، مانع از هتک حرمت و پاره شدن پرده ی حیای او می شود و تا زمانی که حیا و آبروی او در پس پرده باقی بماند، عزت

او نیز حفظ خواهد شد و می توان امیدوار بود که دیگر به سراغ آن خطا نرود و به گناه آلوده نگردد. حضرت (ع) خداوند را به خاطر پوشاندن عیوب او و مستور نهادن گناهان او حمد و سپاس می نماید: «یا الهی! فلک الحمد فکم من عائبه سترتها علی فلم تفضحنی، و کم من ذنب غطیته علی فلم تشهرنی، و کم من سائبه الممت بها فلم تهتک عنی سترها و لم تقلدنی مکروه شمارها و لم تبد سواتها لمن یلتمس معائبی من جیرتی و حسده نعمتک عندی» (دعای ۲۱/۱۶)؛ ای خدای من! سپاس تو را است که چه بسیار عیب مرا پوشاندی و رسوایم نکردی، چه بسیار گناه مرا پنهان نمودی و معروف نمودی؛ چه بسیار زشتی که به جا آوردم و پرده مرا ندریدی و طوق ناپسندی و زشتی آن را به گردنم نینداختی و بدی های آن را بر همسایگانم که در جستجوی عیب هایم هستند و بر رشکبران نعمتی که به من داده ای آشکار نساختی. هم چنین در دعای بیستم از خداوند درخواست می کند که زیور پارسایان را که مستور ساختن عیوب دیگران از جمله آن ها است به او بیوشاند.

نتیجه گیری

از آن چه گذشت آشکار گردید که نظام تربیتی اسلام دارای مؤلفه های گوناگون است که می توان آن ها را از متون اسلامی استخراج کرد و به نظریه های راهنمای عمل دست یافت. صحیفه ی سجادیه به عنوان اثری معتبر در میان این متون، دارای مضامین تربیتی بلندی است که منبع قابل اعتمادی برای استنباط عناصر اساسی نظام تعلیم و تربیت اسلامی است؛ در باب اهداف تربیتی صحیفه «قرب الهی» و «تربیت عقلانی» و «شناخت خدا» دو هدف

واسطه ای می باشند. «خداجویی، غفلت و خود دوستی» سه مبنای مهم تربیت هستند که از دو مبنای «خداجویی و غفلت» اصل «بازگشت» و «تذکر» و با توجه به مبنای «خود دوستی»، اصل «عزت» استخراج می گردد. در باب روش ها، در مجموع دوازده روش تربیتی که همگی مبتنی بر اصول سه گانه ی «بازگشت، تذکر و عزت» هستند، به دست می آیند. این روش ها عبارتند از: ۱- توبه؛ ۲- تفضل؛ ۳- تبشیر؛ ۴- نیکی در برابر بدی؛ ۵- تأخیر در کیفر (مبتنی بر اصل بازگشت (۶- موعظه؛ ۷- یادآوری نعمت؛ ۸- شناساندن حمد و ستایش (مبتنی بر اصل تذکر)؛ ۹- ابراز توانایی ها؛ ۱۰- حسن ظن؛ ۱۱- عذرپذیری و ۱۲- عیب پوشی (مبتنی بر اصل عزت).

پاورقی

[۱] برای آگاهی بیش تر از رابطه ی بین مبانی، اصول و اهداف بنگرید به ۲، ص: ۶۵.

[۲] برای مطالعه ی بیشتر ر. ک: همان، ص: ۵۴.

[۳] ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه؛ نحل / ۱۲۵.

[۴] ر. ک: دعای ۱۲/۲۰؛ دعای ۳/۲۲؛ دعای ۱۳/۵ و....

[۵] رک: قواعد فقهیه از آیت ... بجنوردی، ج: ۱، ص: ۲۳۹.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

